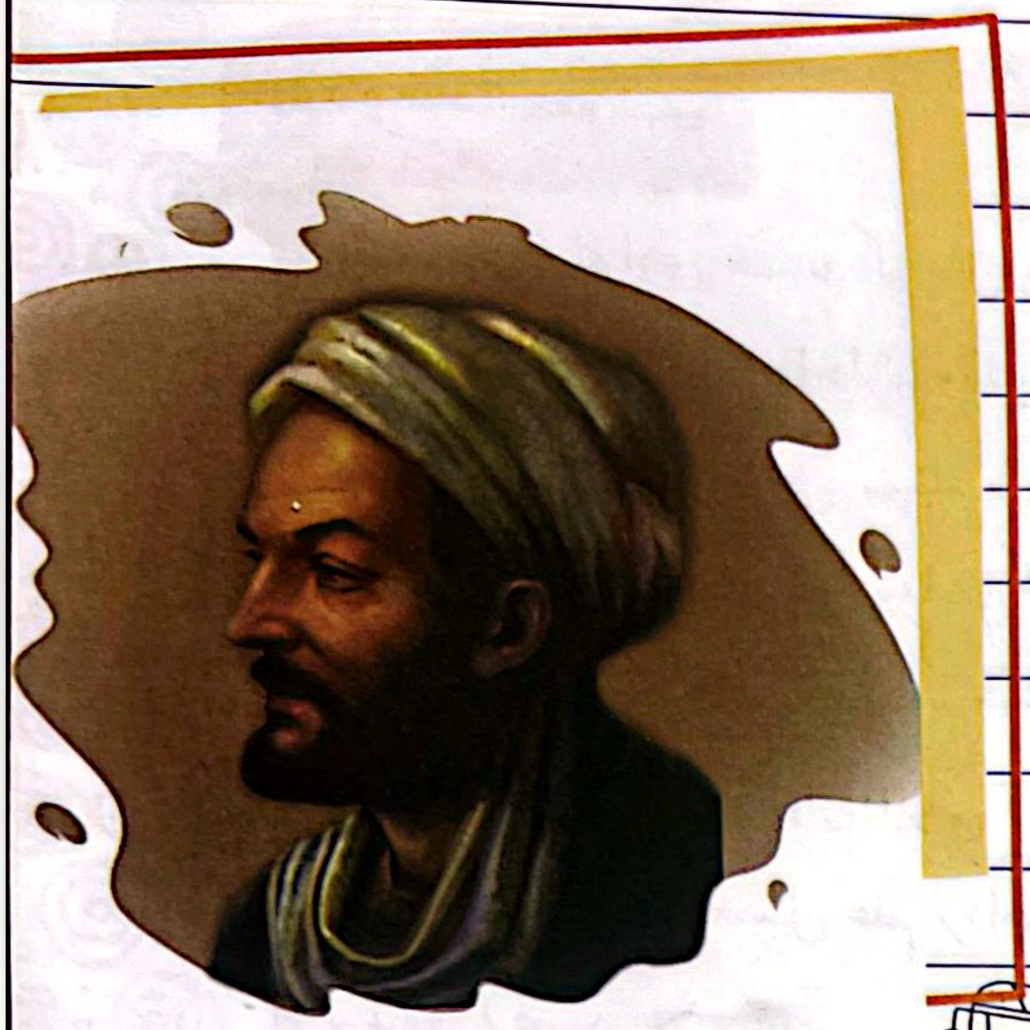


درس سوم

«رازی و ساخت بیمارستان»

آموختنی‌ها

۱ بهره‌گیری از نیروی عقل و اندیشه در زندگی

۲ ساخت ترکیب جدید با پسوند «گر» و «گار»

۳ آشنایی با دانشمند بزرگ ایرانی (محمد بن زکریای رازی)

۴ آشنایی با شاعر بزرگ ایرانی (فردوسی) و نویسنده‌ی کودک و نوجوانان (محمد میرکیایی)

۵ توانایی استفاده از دو کلمه‌ی «مخالف» در یک جمله

۶ آشنایی با مفعول و راه تشخیص آن

جعبه‌ی کلمات

کلمات مترادف

بِدو: مخفف، به او

هوس: میل، آرزو

برنا: جوان

گرمابه: حمام

ازیرا: زیرا که، برای اینکه

کهن: گذشته، قدیمی

خرد: عقل

طبیب: پزشک

رهنمای: راهنما

سرا: جهان، خانه

بدرود: خداحافظ، ضایع

خون سردی: آرامش

دستگیر: کمک کننده

بَر: مقابل

برنگذرد: تصور نکند

برفراز: بر بلندای

کزین: مخفف که از این

زرگر: کسی که با طلا یا زر جواهرات ها زیورآلات می سازد

هوشیاری: بیداری، آگاهی

دلگشای: خوشایند

گرای: روی، آوردن

بلندآوازه: مشهور

فراخواند: صدا زد

گزند: آسیب

ناچار: ناگزیر

کلمات متضاد

نزدیک ≠ دور

برنا ≠ پیر

سالم ≠ بیمار

خوشحال ≠ ناراحت

نادان ≠ دانا

حاضر ≠ غایب

کلمات هم خانواده

طبیب، طب، طبابت

شرط، شرط، شرایط، مشروط

فاسد، فساد

کلمات مترادف

بحر: دریا

لیل: شب

بنی آدم: فرزندان آدم

نهار: روز

بَر: بیابان، خشکی

فضل: بخشش

انجم: ستارگان، جمع نجم

شمار: حساب، شمارش

بیخ: ریشه

لحن: آواز

توحید: پرستش خدا به یگانگی

گردکان: درخت گردو

تحسین: آفرین گفتن

شاخسار: شاخه‌ی درختان

بستان: بوستان

تصور: اندیشه، فکر

زمزمه: نجوا

حسرت: افسوس

جذب: کشش

جالیز: کشتزار خیار و خربزه

غرور: خودبینی

کلمات متضاد

بحر ≠ بر

لیل ≠ نهار

مهربان ≠ نامهربان

مرده ≠ زنده

خواب ≠ بیدار

درست ≠ نادرست

ناراحت ≠ خوشحال

شروع ≠ پایان

تشنه ≠ سیراب

کلمات هم خانواده

فضل، فاضل، فضیلت

انجم، نجم، نجوم، منجم

توحید، وحدت، موحد

غرور، مغرور

خالق، خلق، خلقت

تشکّر، متشکر، شکر

فضل خدا

فضلِ خدای را، که تَواند شمار کرد؟ یا کیست آن که شُکر یکی از هزار کرد؟

هیچ‌کس نیست که بتواند، بخشش و مهربانی خدا به موجودات را بشمارد، هیچ‌کس نیست که بتواند، یکی از هزاران نعمت او را شکر بگوید.

بحر آفرید و برّ و درختان و آدمی خورشید و ماه و اَنجُم و لیل و نهار کرد

خداوند، دریا و خشکی و انسان‌ها را خلق کرد و خورشید، ماه، ستارگان و شب و روز را خلق کرد.

اجزای خاک مُرده، به تأثیر آفتاب بُستانِ میوه و چمن و لاله‌زار کرد

به خواست خداوند بر اثر تابش نور خورشید بر خاک بی حاصل، باغ‌های میوه و چمن و لاله‌زار به وجود آمد.

ابر، آب داد بیخِ درختانِ مُرده را شاخِ برهنه، پیرهن نوبهار کرد

ابر با بارش خود، ریشه‌ی درختانی را که در فصل زمستان به خواب رفته بودند، سیراب کرد و به این ترتیب، شاخه‌ی خشک درختان، لباسی از شکوفه‌های تازه‌ی بهاری بر تن کرد.

توحیدگوی او، نه بنی آدم‌اند و بَس هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد

در میان موجودات فقط انسان‌ها خدا را به یگانگی پرستش نمی‌کنند؛ هر بلبلی که بر شاخه‌ی درخت آواز می‌خواند، نیز خدا را می‌پرستد.

درس اول

«تماشاخانه»



آموختنی ها

۱ تأمل و تفکر در آفریده‌های خدا

۲ شکرگزاری و پاسداری از نعمت‌های خدا

۳ آشنایی با کلمات متضاد

۴ استفاده از نشانه‌های ربط (اما، ولی، زیرا، چون) برای اتصال جمله‌ها به یکدیگر

۵ آشنایی با صفت

۶ آشنایی با پروین دولت آبادی

جعبه‌ی کلمات

کلمات مترادف

تماشاگه: ..محلی.برای.تماشا.. بُن = ریشه

سرفراز: ..سربلند..... کهن = قدیمی

پیشواز: ..استقبال.... شاخسار = پر از شاخه

تنومند: ..قوی..... کوته = مخفف کوتاه

لطیف: ..نرم..... هیس = سکوت

سرشار: ..لبالب..... تاک = انگور

سنگلاخ: ..محلی.پر.از.سنگ نغمه خوان = آوازخوان

شکوه: ..عظمت..... تأنّی = اندیشه‌ن

کلمات متضاد

کهن ≠ ..جدید..... **سرشار ≠** تهی

زیبا ≠ ..زشت..... **وابسته ≠** مستقل

بهتر ≠ ..بدتر.....

گل ≠ ..خار.....

پرسش ≠ پاسخ.....

ساکت ≠ شلوغ.....

کلمات هم خانواده

لطیف، ....لطف...لطافت.....

عمیق، ..عمق...اعماق.....

توصیف، ..وصف...صفت.....

عجیب، ..تعجب...عجایب.....

«ستایش»



جعبه‌ی کلمات

کلمات مترادف

از پی: پیرو، دنبال.....

کریم: ...بزرگوار.....

نواختن: ...مهربانی کردن.....

بیم: ...ترس.....

جهان = هستی

درد مندان = بیچارگان

عطا کن = ببخشای

راندن: دور کردن

نواختن: مهربانی کردن، نوازش کردن

مونس: همدم، یار.....

کلمات متضاد

پیدا ≠ ...پنهان.....

امید ≠ ...بیم، ناامید.....

ضعیف ≠ ...قوی.....

..... ≠ .....

..... ≠ .....

..... ≠ .....

کلمات هم‌خانواده

ضعیف، ...ضعف.....

کریم، ...کَرَم.....

قبله، ...قبول.....

مونس = انیس

عجیب = عجایب

ای همه هستی ز تو پیدا شده

۳ جمله — ای همه هستی ز تو پیدا شده / خاکِ ضعیف از تو توانا شده

ای خدایی که همه‌ی موجودات جهان به خواست تو به وجود آمده‌اند و خاک ضعیف و ناتوان به اراده‌ی تو توانمند شده و تبدیل به انسان شد.

۴ جمله — از پیِ توست این همه امید و بیم / هم تو ببخشای و ببخش، ای کریم

همه‌ی این امیدواری‌ها و ناامیدی‌ها به خاطر خشنودی توست؛ بنابراین، ای خدای بزرگوار، خودت به ما رحم کن و نعمتت را بر ما ببخش.

۴ جمله — چاره‌ی ما ساز که بی یاوریم / گر تو برانی، به که روی آوریم؟

خداوندا! ما یاریگر و کمک کننده‌ای نداریم؛ پس مشکلاتمان را حل کن؛ زیرا اگر تو ما را از خود دور کنی، به چه کسی می‌توانیم پناه ببریم؟

۳ جمله — جز درِ تو، قبله نخواهیم ساخت / گر ننوازی تو، که خواهد نواخت؟

خداوندا! برای کمک خواستن، فقط به سوی تو می آییم. اگر تو با ما مهربان نباشی، چه کسی باما مهربانی خواهد کرد؟

یار شو، ای مونسِ غمخوارگان / چاره کن ای چاره‌ی بیچارگان

ای خدایی که همدم دردمندان و بیچارگان هستی، به یاری ما برس. ای خدای مشکل گشای درماندگان و بیچارگان، مشکلات ما را حل کن.

نظامی، مخزن‌الاسرار



معنی شعر خرد رهنمای

به نام خداوند جان و خرد　　کزین برتر اندیشه برنگذرد

(بهترین است)

معنی　با نام و یاد آفریدگار جان و اندیشه آغازی کنم که اندیشه‌ای برتر و بهتر از این از ذهن انسان نمی‌گذرد. (شروع هر کاری با نام و یاد خدا

خرد رهنمای و خرد دلگشای　　خرد دست گیرد به هر دو سرای

معنی　عقل، راهنما و دلگشای است و عقل در هر دو جهان به انسان کمک می‌کند.

به دانش گرای و بدو شو بلند　　چو خواهی که از بد نیابی گزند

معنی　اگر می‌خواهی از بدی‌ها آسیب نبینی، به علم و دانش آموختن روی بیاور و با آن رشد کن.

ز نادان بنالد دل سنگ و کوه　　ازیرا ندارد برکس، شکوه

معنی　دل سنگ و کوه از دست آدم نادان می‌نالد زیرا او نزد هیچ کس بزرگی و شکوه ندارد.

توانا بود هر که دانا بود　　ز دانش دل پیر برنا بود

معنی　هر کسی که دل دانا و عاقل باشد، قدرتمند و توانا است. دانش دل پیر انسان را جوان می‌کند.

شاعر: فردوسی

معنی ضرب المثل ها :

ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است .

معنی : برای انجام هیچ کاری دیر نیست .

سحر خیز باش تا کامروا باشی .

معنی : صبح زود بیدار شو تا در زندگی آدم موفقی شوی .

دست بالای دست ، بسیار است .

معنی : همیشه کسی هست که از ما قدرتمندتر و زورمندتر باشد .

عقلش به چشمش است .

معنی : از روی ظاهر تصمیم می گیرد .

جوجه را آخر پائیز می شمارند .

معنی : نباید زود نتیجه گیری کرد ، یعنی برای قضاوت کردن نباید عجله کرد .

مرغ همسایه غاز است .

معنی : همیشه فکر می کنیم ، دیگران شرایط بهتری نسبت به ما دارند .